



## موانع و چالش‌های آموزشی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مهدی محمودی<sup>۱</sup>، محمد نسیم دهقان زهی

۱- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

### چکیده

تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مبتنی بر انعکاس آرمان‌ها و اهداف نظام با اتکا به پشتوانه‌های حقوقی و شرعی، تبیین‌کننده نگاهی سیستمی مشتمل بر تعیین اجزای مرتبط و ترسیم چگونگی ارتباط آن‌ها، دارا بودن قابلیت تطبیق و دسترسی و بهره‌مندی از قابلیت پایداری و بقای تمدن اسلامی می‌باشد. بودند اما تأکیدات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) بر امر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تلنگری و جهادی نو در عرصه‌ی این روحیه‌ی بهبود خواهی ملت ایران بود. در این راستا ضروری است که به تأکیدات معظم له در این زمینه توجه مورد داشته باشیم تا شیوه و الگویی را که به اسم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی ایشان بیان شده است را به حقیقت نزدیک کرده و در این مسیر بتوانیم تغییر سرنوشت خودمان را با هم و در یک مسیر معلوم و مشخص به پیش ببریم. در این مقاله روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای مروری بر سایت‌های مرتبط می‌باشد و در مقاله حاضر سعی گردید تا به چستی این الگو و موانع و چالش‌های مربوط به حوزه آموزش پرداخته شود.

**کلمات کلیدی:** الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - چالش - آموزش



مقدمه:

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰) طراحی و تدوین الگویی برای پیشرفت که بر اساس مبانی بینشی و ارزشی اسلامی و همچنین با لحاظ شرایط زمانی و مکانی کشور با عنوان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، چند سالی است که به یکی از دغدغه‌های اصلی دلسوزان نظام مطرح شده است. واژه پیشرفت به معنای حرکت روبه‌جلو، از طریق مبانی بینشی و ارزشی راهبری می‌شود؛ مبناهایی که از نگاه به خدا، انسان، جامعه و طبیعت سرچشمه می‌گیرد. این واژه دارای ابعاد متعددی است و علم و فناوری نیز به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی و به عبارتی مهم‌ترین بعد پیشرفت، متأثر از همین مبانی بینشی و ارزشی می‌باشد. (تقوی، ۱۳۸۸).

از آنجایی که مبانی بینشی و ارزشی حاکم بر علم و فناوری در جهان امروز، متفاوت از مبانی بینشی و ارزشی اسلامی می‌باشد، طراحی الگویی اسلامی برای پیشرفت در حوزه علم و فناوری و با توجه به شرایط زمانی و مکانی کشور ایران ضرورت می‌یابد. همان‌طور که بیان شد، شرط تحقق کامل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مبنا قرار گرفتن اقتضائات اسلامی پیشرفت در تدوین و تهیه الگو است؛ اقتضائاتی که برگرفته از مبانی بینشی و ارزشی اسلامی باشد.

در این پژوهش ما دو فرضیه را دنبال خواهیم کرد

۱) بر اساس نظر کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، تخصصی سازی امر تدریس موجب جلوگیری از عوامل چالش برانگیز در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌گردد.

۲) از دیدگاه کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش استان تهران فراهم آوردن امکانات و تجهیزات آموزشی موجب کاهش چالش‌ها در آموزش و پرورش می‌گردد.

از زمان مطرح شدن موضوع الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تلاش‌هایی از سوی صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی و همچنین مسئولین نظام در جهت تدوین این الگو صورت گرفته است. یکی از جدیدترین اقدامات در این خصوص، تدوین لایحه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت توسط هیئت وزیران و بنابر پیشنهاد معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری می‌باشد که قرار بود برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شود و پس از تصویب مبنای برنامه ششم توسعه و برنامه‌های آتی توسعه در کشور باشد.

خاستگاه و مبدأ فکری و نظری این سند مبانی و ارزش‌های دین مبین اسلام است که از مبانی دینی، یعنی عقل و نقل و با فرآیندی اجتهادی و روش‌اند استنباط و استخراج می‌شود و مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت را در سطوح و لایه‌های مختلف تبیین می‌کند و دلالت‌های راهنما و راهگشا برای الگو را در همه مراحل تحلیل طراحی و معماری، اجرا و تحقق و همچنین ارزیابی و داوری، ارائه می‌دهد (ذوعلم، ۱۳۹۱).



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا پایان دوره دفاع مقدس، کلان‌مقیاس منتهی به سند رسمی در کشور عملاً وجود نداشت. روشن است که تدوین قانون اساسی که به فاصله کمی از پیروزی انقلاب صورت گرفت را باید استثنا کرد. ولی پس از پایان جنگ، چند تجربه قابل توجه در کشور پدید آمده است که مهم‌ترین آن‌ها را به شرح زیر برشمرد:

### تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰

این برنامه به‌مثابه یک برنامه بلندمدت در سال پایانی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی تدوین شد و در دولت‌های بعد، هیچ‌گاه منشأ برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت قرار نگرفت.

اهمیت یافتن سیاست‌های کلی نظام پیشنهادی مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازوکار تدوین آن با شروع به کار مجمع تشخیص مصلحت نظام در مرحله دوم حیات خود و بر اساس حکم مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری مفاد بند اول و هشتم اصل ۱۱۰ و مفاد اصل ۱۱۲ قانون اساسی به ساحت اجرا کشانده شد و به دنبال آن مطالعه درباره سیاست‌های کلی نظام در موضوعات مختلف و ارائه پیشنهاد به رهبر معظم انقلاب به یکی از فعالیت‌های رایج و اصل مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیرخانه آن تبدیل شد که نقش مهمی در شکل‌گیری و تثبیت تجربه کلان‌نگری و سیاست‌گذاری داشت.

### مشخص شدن سازوکار تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه

ظاهراً نخستین برنامه توسعه کشور بدون سیاست‌های کلی تدوین و ابلاغ شد و سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه نیز پس از تدوین ابلاغ شد و به شکل صوری به ابتدای برنامه افزوده شد ولی از برنامه سوم توسعه به این سو رفته و با ابلاغ به‌موقع سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه، گام دیگری در مسیر کلان‌مقیاس به سند رسمی در کشور برداشته شد.

### تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور (ایران ۱۴۰۴)

این سند که عمده مطالعات آن در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفت در ۱۳ آبان ۱۳۸۳ رسماً از سوی رهبری به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و همزمان به رؤسای قوای سه‌گانه ابلاغ شد.

### اندیشه و سازوکار تدوین سندهای جامع‌نگر مانند نقشه جامع علمی کشور، مهندسی فرهنگی و مانند آن

یکی دیگر از تجربیات کشور در حوزه کلان‌مقیاس به سند رسمی تدوین چند سند راهبردی در زمینه‌های مختلف است که شاید بتوان دو نمونه مهم در این زمینه را سند جامع علمی کشور و نقشه مهندسی فرهنگی کشور شمرد (الویری، ۱۳۹۱).

همان‌گونه که اشاره شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آماده شدن زمینه برای احیای دانشگاه و پیشرفت علمی کشور، تلاش بسیاری از جانب نهادهای مختلف در زمینه جهت‌دهی کلان پیشرفت در همه ابعاد آن به‌خصوص در بعد علم و فناوری، هماهنگ با اقتضات اسلامی و شرایط بومی کشور، که منجر به احیای تمدن اسلامی گردد، انجام شده است ولی آن‌گونه که بیان شد، به دلیل ناقص بودن و همه‌جانبه نبودن این تلاش‌ها از یک سو و نبود اراده و عزم کافی از سوی نخبگان از سوی دیگر، به نتایج ملموس و چشمگیر و نهادینه‌ای منجر نشده است.

این شرایط و لزوم توجه به پیشرفت و استقلال کشور و از سوی دیگر تهدیدات خارجی که علم و تکنولوژی را وسیله‌ای برای سلطه بر کشورهای اسلامی قرار داده‌اند، سبب شد که رهبری انقلاب به‌صورت مجدانه وارد عمل شده و با دستورانی به دست‌اندرکاران خواستار اهتمام جدی به این موضوع شدند. از سال ۱۳۸۵ رهبر معظم انقلاب طراحی و تدوین الگوی اسلامی



ایرانی پیشرفت را به عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح نمودند. ایشان ۴ عرصه اساسی را در این الگو لحاظ نمودند که عبارت‌اند از عرصه‌های فکر، علم، زندگی و معنویت. طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان الگویی که فرادست نظام برنامه‌ریزی کشور قرار می‌گیرد و سمت و سوی بر مبنای آموزه‌های اسلام را به این نظام می‌دهد از ضروریات حتمی برای جهت‌گیری درست برنامه‌های توسعه‌ای کشور بر اساس جهان‌بینی، مکتب، فرهنگ، ارزش‌ها و مقتضیات کشور و نظام می‌باشد تا از حرکات بی‌هدف و زیگراگی و ورود سلیقه‌های حزبی گروهی در امر برنامه‌ریزی و توسعه کشور ممانعت نماید. خود این الگو، به سمت آرمان‌های اسلامی و سعادت انسان و جامعه، در نظامی اسلامی تنظیم می‌گردد (وکیلی، ۱۳۹۱).

### اسلامی و ایرانی بودن الگو؛ معنا و مفهوم

در این پژوهش، لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به عنوان اولین سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، برای تحلیل انتخاب شد. دلیل انتخاب هم این بود که اولاً پژوهش حاضر ایرادات احتمالی سند مذکور شناسایی کند و ثانیاً راهنمایی برای اسناد احتمالی بعدی الگو قرار گیرد.

در بیان این مفهوم نظرات مختلفی ارائه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الگوی پیشرفت، ظرفی دارد و آن اسلامی و ایرانی بودن آن است. این ظرف اسلامی و ایرانی از هم جدا نیست. اسلام به ایرانی هویت بخشید و ایرانی نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم نمود. اسلامی بودن الگو ناظر به مبانی اندیشه، جهان‌بینی، اهداف میانی و نهایی، ارزش‌ها و روش‌هاست که از اسلام مایه می‌گیرد. ایرانی بودن الگو امری اجتناب‌ناپذیر است (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹). رهبری معظم نیز از همان ابتدا به در جلسات و گردهمایی‌های مختلف به فراخور شرایط به شرح و تبیین مؤلفه‌های مختلف این اصطلاح پرداختند. ایشان در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگو (۱۳۸۹/۹/۱۰) هدف از تدوین این الگو را این گونه بیان فرمودند: پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کلاً بشریت و برای انسانیت است. در دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام (۱۳۸۷/۰۶/۱۹) بیان می‌دارند: ما فرقدمان با بقیه گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیم را تغییر می‌دهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست می‌گیرند، این است که ما آمدمیم برای اینکه یک جامعه اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدمیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌توانست و می‌تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدمیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیب بکنیم؛ ما برای این آمدمیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الآن هم هدف جز این چیز دیگری نیست. نظام اسلامی، نظامی است بر پایه‌ی مبانی اسلام. هر جا که توانسته‌ایم وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه اسلام قرار بدهیم،





این خوب است، مطلوب است؛ هر جا نتوانستیم، سعی ما باید این باشد که آن را بر همان پایه و مبنای اسلامی قرار بدهیم؛ از او نباید تخطی کنیم. این هدف ماست.

ایشان در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۲۵/۰۲/۱۳۸۶) در توضیح اسلامی - ایرانی بودن الگو بیان می‌دارند: ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی - ایرانی است. البته کشورهای دیگر هم از آن، بدون تردید استفاده خواهند کرد؛ همچنانی که تا امروز هم ملت ما و کشور ما برای بسیاری از کشورها در بسیاری از چیزها الگو قرار گرفته، اینجا هم یقیناً این الگو مورد تقلید و متابعت بسیاری از ملت‌ها واقع خواهد شد.

همان‌گونه که اشاره شد پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دینی در ایران، ضرورت و امکان دینی شدن زندگی فردی، جمعی و اجتماعی مردم بیش از همه دغدغه مردم، اندیشمندان، مسلمانان و رهبران حکومت اسلامی بوده است. لذا آنگاه که از الگوی اسلامی و دینی سخن گفته می‌شود، قاعدتاً الگویی مدنظر ماست که دارای مبانی، ساختار، محتوا و اهداف دینی اسلامی بوده و راه‌های وصول به اهداف را در چارچوب فهم دینی و یا آنچه امروز بنام علم دینی نامبرده شده است، فراهم آورد (ابطحی، منتظر، (۱۳۹۱) ص ۱۲۵)

بیان این نکته ضروری است که جغرافیای ایران تأثیری در مبانی پیشرفت در عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه علم و فناوری ندارد بلکه ایران، ظرفی برای پیشرفت و تحول می‌باشد؛ چراکه اسلام و مبانی آن در پیشرفت یک حقیقت فرا جغرافیایی بوده و محدود به یک زمین و منطقه نیست همان‌طور که کلام وحی و پیامبری منحصر به یک مکان و سرزمین خاصی نیست. و پرواضح است یک حقیقت فرا جغرافیایی اگر بخواهد در یک منطقه و با خصوصیات انسان‌های متفاوت پیاده شود چگونگی آن رنگ و شکل خاص به خود را خواهد داشت. همان‌طور که کلام وحی به حسب نوع توانایی، فهم و ادراک مردم بیان می‌شد؛ و کار فقیهان تطبیق حقیقت جامع و فراگیر دین با شرایط و خصوصیات زمان و مکان می‌باشد. پیشرفتی که با اقتضائات جهان‌بینی اسلامی نباشد، پیشرفتی حقیقی است و دارای ویژگی‌های زیر است:

پیشرفتی که نگاهش تنها به یک بعد از وجود انسان و آن هم به صورت ناقص نیست. پیشرفتی است که مبانی‌اش با لحاظ مؤلفه‌های متعددی از جمله موارد زیر تدوین شده است:

تعدد ابعاد و مراتب هستی که انسان با آن‌ها در ارتباط است یعنی رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با عالم غیب، رابطه انسان با معاد، رابطه انسان با محیط طبیعی، رابطه انسان با محیط اجتماعی، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با ابزار و فناوری، پیوند انسان و توسعه یافتگی و پیشرفت، جایگاه فطرت در شناخت انسان به مثابه موضوع توسعه، ویژگی‌های جهان هستی (الویری، - (۱۳۹۱).

جدیدترین اقدام در جهت تدوین سندی رسمی در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، لایحه الگوی اسلامی - ایرانی



بر اساس ماده یک قانون برنامه پنجم توسعه دولت موظف بوده است که با همکاری سایر قوا الگوی توسعه اسلامی ایرانی را تا پایان سال سوم برنامه، تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

در این راستا دولت اقدام به تشکیل دبیرخانه‌ای در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی نمود و دبیرخانه مزبور پس از مطالعات و هم‌اندیشی‌ها و دریافت نظرات مراکز فکری، اعم از حوزوی و دانشگاهی و قوای مختلف اقدام به تدوین پیش‌نویس لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمود. این لایحه برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است. با توجه به تأکیدات رهبر معظم انقلاب مبنی بر گفتمان و تفکر همه‌جانبه و عمیق همراه با بازناندیشی‌های مستمر، لازم است مراکز فکری و علمی و حوزوی با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان، اسناد الگو را مورد بررسی قرار داده و به‌صورت مداوم بر غنای آن بیفزایند.

با توجه به مطالب بالا می‌توان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را این‌گونه تعریف نمود:

«الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت الگویی است که از انضمامی شدن چارچوب شناختی - هنجاری برگرفته از مبانی ارزشی و بینشی اسلامی در قالب نظام نظری - عملی یا به عبارتی نظریه و روش، در شرایط زمانی و مکانی کشور ایران پدید خواهد آمد. الگویی که هدف آن برپایی تمدن آرمانی اسلامی با تمام ویژگی‌های آن و با لحاظ شرایط زمانی و مکانی کشور ایران است (تقوی، ۱۳۸۸)». الگوی مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) توجهش را بر پیشرفت کشور گذاشته است، پیشرفتی که از نظر کیفی، فاصله گرفتن از الگوهای غربی است؛ الگویی که کمی است در برابر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ که در عین اینکه کمیت را شامل می‌شود، کیفیت را هم دربرمی‌گیرد. به این معنی که الگوهای غربی بیشتر در فضای انسان‌شناسی و تمدن غربی قرار دارد، ساخت غالب آن، ساخت مادی است. یعنی معنای توسعه از نظر غرب، برنامه‌ریزی برای ساخت بعد مادی است و آنچه این تمدن را به جلو می‌برد بعد مادی انسان است اما در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت تمام موضوعاتی که برای انسان در نظر گرفته می‌شود، (موضوعات فرهنگی، حقوقی، فلسفی، جامعه‌شناسی، سیاسی و تمدنی) همه حول یک محور می‌چرخند و آن محور توحید است که با نگاهی توحیدی به انسان می‌نگرد و ارزش انسان‌ها بر اساس همان ارزش‌های توحیدی تعریف می‌گردد. البته در این الگو در کنار ساخت قدسی، ساخت مادی نیز دیده شده است. این الگو یک الگوی ایرانی است جدا از شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایرانی نکته‌ی مدنظر در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این است که طراحان این الگو، متفکران ایرانی هستند؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که خواهان وام گرفتن الگوهایمان از دیگران نیستیم بلکه آنچه را که لازم داریم، مصلحت کشورمان است و همچنین آن چیزی را که می‌تواند آینده‌ی این کشور را تصویر کند، در دست خودمان است. در یک قالب موردنظرمان بگنجانیم. از جهتی دیگر، الگوی ارائه شده اسلامی است چراکه اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های عملکرد، همه از اسلام مایه خواهد گرفت و ما تکیه بر مفاهیم و معارف اسلامی داریم. اما ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران نباید استفاده کنیم بلکه باید برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نباشیم اما نباید ندانسته عمل کنیم. \*موانع پیش روی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: در این بخش هرچند کوتاه سعی شده است به موانع و آسیب‌های پیش روی حرکت در مسیر الگوی بومی مدنظر رهبری پردازم: ۱- از جمله موارد در این زمینه این است که اگر در کنار مفهومی همچون پیشرفت به دلیل عام بودن آن، بحث توسعه مطرح گردد، دیگر نمی‌توان از



الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت سخن به میان آورد. چراکه این موضوع از غرب با یک ویژگی‌های خاص خود آغاز گردیده است. از این رو به ناچار باید گفته شود که توسعه یک الگو بیشتر ندارد و آن هم اتفاقی است که در غرب افتاده، یعنی اینکه روزگاری غرب مثل ما بوده و اتفاقاتی در آنجا رخ داده و اقداماتی در پی آن صورت گرفته است و لذا ما هم برای رسیدن به توسعه باید در راه غرب گام نهیم. در این رویکرد عنوان می‌شود که عقب‌ماندگی کشورهای غیرعربی ربطی به کشورهای توسعه یافته ندارد و عامل را باید در خود آن‌ها جست. همچنین بر سر راه تحقق این الگو ضعف و نابسندگی حوزه‌ی مطالعاتی وجود دارد و ادبیات علمی این موضوع هنوز شکل نگرفته است و از دلایل این امر آن است که جامعه‌ی نخبگان استنتاج نشده است. لذا به نظر می‌رسد در این الگو متخصصین و پژوهشگران در کاربرد لفظ توسعه و پیشرفت با طمأنینه بیشتری بیان نمایند.

۲- مسئله‌ی دوم آن است که سختی کار در تهیه الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت در آنجاست که محققان بخواهند در یک پارادایم برزخی این الگو را تهیه کنند. در حال حاضر کشور ما مابین سنت و مدرنیته، آموزه‌های اسلامی و عملکردهای غربی، اهداف دینی و راهبردهای سکولاریستی، حکومت اسلامی و نهادها و ساختارهای غیر اسلامی قرار دارد، دشوارترین کار برای ایده پردازان، ارائه‌ی راه‌های برون‌رفت از این مشکل است تا با خروج از برزخ تصمیم‌گیری در این زمینه با اتکا به رویکردهای دینی و حکومت اسلامی تکلیف خود را در این حوزه مشخص نمایند. ۳- مسئله‌ی سوم که می‌توان به آن اشاره کرد ساختار مدیریتی کشور است که برای ایجاد این تحول بزرگ و رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ناکارآمد است. مسئله‌ی پیشرفت در چهارچوب ایرانی و اسلامی میان دو مشکل طاقت سوز گرفتار است، دو مشکل بزرگ شتاب‌زدگی و مشاطه کاری. کسانی که با ماهیت این تحول و ضرورت تحقق ادبیات علمی آن آشنا نیستند، اغلب کسانی هستند که از طول و عرض علوم انسانی و تأثیرهای متقابل میان آن و پیشرفت جوامع کم‌اطلاع هستند سپردن مدیریت‌ها در حوزه‌های مربوط به پیشرفت به افرادی که اساساً از این حوزه علمی نا برخوردار هستند آن‌ها را دچار شتاب‌زدگی می‌کند که خود ناشی از آسان‌نمایی کارها برای فرد غیر آشناست و در مقابل افرادی انجام آن را آن‌قدر سخت می‌بینند که به کرات تحقق آن را به تعویق می‌اندازند. ۴- مسئله چهارم نبود یک بسترسازی برای این موضوع است. چراکه طراحی هر نوع الگویی نیازمند دو نوع بستر است. بستر مادی یعنی ابزارها، روش‌ها و کاربردها و بستر دوم، بستر فرهنگی است که درباره‌ی این موضوع هنوز در کشور فرهنگ‌سازی اصولی برای این موضوع انجام نگرفته و بطن جامعه هنوز با این ادبیات نا آشنا و غریبه است که این خود مانعی بر سر راه رسیدن به آرمان‌شهر مدنظر مقام رهبری (دامت برکاته) می‌باشد. لذا در این زمینه باینکه همه بر ضرورت پیشرفت اسلامی متفق‌القول‌اند ولی منظور از پیشرفت اسلامی و ساحت‌های مورد توجه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در فرهنگ عمومی و حتی در بین متخصصان ما چندان روشن نیست.

## علم آموزش

واژه علم، لفظ مشترکی است که هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی، در معانی متعددی بکار می‌رود؛ از آنجا که خلط این معانی، احیاناً به مغالطاتی می‌انجامد، ضروری است تا معانی این واژه، خصوصاً معنای مقصود ما در ادامه مباحث توضیح داده شود.



۱. کلمه علم گاه به معنای (دانستن) بکار می‌رود؛ در این کاربرد (علم) در مقابل جهل واقع می‌شود و بر همه دانستنی‌ها و آگاهی‌ها، اطلاق می‌گردد، اعم از آنکه این آگاهی‌ها، از سنخ علم حصولی باشند و به طریق حسی یا عقلی اکتساب شده باشند و یا آنکه این آگاهی‌ها از قبیل علم حضوری بوده و از طریق کشف و شهود باطنی به دست آمده باشند؛ به هر تقدیر (علم) در این استعمال به معنای مطلق آگاهی و دانستن است، صرف نظر از اینکه متعلق این آگاهی، تصورات منفرد و تک گزاره‌ها باشند یا رشته‌هایی از دانش.

۲. گاهی واژه علم به معنای قطع و یقین بکار برده می‌شود؛ در این اطلاق به هر گزاره‌ای که مورد یقین آدمی باشد، «علمی» گفته می‌شود، اعم از اینکه آن گزاره با واقع مطابق باشد یا کاذب یعنی خلاف واقع باشد؛ به این معنا که، در این تعریف علم صفتی نفسانی است نه مطابق با واقع بودن؛ روشن است که در این کاربرد، (علم) مقابل (جهل) نبوده بلکه (علم) در این استعمال مقابل شک و ظن و وهم قرار می‌گیرد؛ به همین جهت، علم به این معنا شامل جهل مرکب هم می‌شود.

۳. علم مدرک صورت، ماهیت و ذات اشیاء که در این تعریف، واقع‌نمایی یا حقیقت‌نمایی از خصوصیات بارز صور ادراکی محسوب می‌شود. در نتیجه، به هر اندازه مطابق با واقع‌نمایی از آن استفاده گردد علمی تر خواهد بود، در مقابل، هر روشی که جنبه واقع‌نمایی نداشته باشد از علمی بودن خارج می‌گردد. بنابراین این تعریف، روش‌ها، در علمی بودن یک گزاره نقش اساسی دارند. برای جلوگیری از برداشت ناصحیح از این واژه، در ادامه این نوشتار هر جا معنایی از علم مقصود و هدف ما باشد، از این نوع برداشت از علم استفاده می‌شود (بستان و همکاران، ۱۳۸۴).

با توجه با آنچه از علم در این رویکرد اراده شده، مهم‌ترین ویژگی علم، خصلت کاشفیت و ارزش جهان‌شناختی علم و اینکه علم واقع‌نما و خارج‌نما است، می‌باشد.

۴. چهارمین معنایی که از علم استفاده می‌شود آن است که در دوره معاصر به کار گرفته می‌شود: علم در این اصطلاح، عبارت است از مجموعه آگاهی‌هایی که: اولاً حصولی‌اند و نه حضوری و شهودی، ثانیاً بر مبنای تجربه حسی مستقیم به دست آمده‌اند؛ در این کاربرد، علم مقابل (جهل) حساب نمی‌شود؛ بلکه علم، مقابل همه آگاهی‌هایی واقع می‌شود که به طریق تجربه‌ی حسی مستقیم به دست نیامده و قابل آزمون تجربی نیست (چالمرز، ۱۳۸۵). تحوّل که در علم جدید پدید آمده است، ناشی از تحوّل در ماهیت علم می‌باشد و در سه بعد قابل بررسی می‌باشد:

موضوع علم؛ روش علم؛ غایت علم؛

به همین جهت، علم جدید، موضوعش تبیین و توصیف مادی از طبیعت، روش آن ریاضی و تجربی و غایت آن در جهت تصرف و کنترل طبیعت می‌باشد (قراملکی، ۱۳۹۱) ص ۵۹.

به‌عنوان نمونه تعریفی که چالمرز<sup>۱</sup> از علم بیان می‌کند این گونه است:

معرفت علمی معرفتی اثبات‌شده است. نظریه‌های علمی به‌گونه‌ای دقیق از یافته‌های تجربی که با مشاهده و آزمایش به دست آمده‌اند، اخذ می‌شوند. علم بر آنچه می‌توان دید و شنید و لمس کرد و امثال این‌ها بنا شده است. عقاید و سلیقه‌های

<sup>۱</sup> Chalmers





شخصی و تخیلات نظری هیچ جایی در علم ندارند. علم، عینی است. معرفت علمی، معرفتی قابل اطمینان است، زیرا به طور عینی اثبات شده است. به نظر من این گونه اظهارات گوهر تلقی متداول معاصر از معرفت علمی است (چالمرز، (۱۳۸۵) ص ۱۳). آموزش و پرورش

ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک برنامه استراتژی است که تحقق نخواهد یافت مگر با تشکیل کارگروه تخصصی و استفاده از پتانسیل ملی در قالب مشارکت‌های تیمی با توجه به شناسایی عواملی بیرونی (تهدید و فرصت) و بهره‌وری عوامل داخلی (ضعف و قوت)، تا نظام تعلیم و تربیت بتواند بدون محدودیت زمان به سؤالات مورد مطرح در یک برنامه راهبردی پاسخگو باشد. اینکه در کجا، به کجا، چگونه، راه‌های اندازه‌گیری و پایش پی شرفت به موقع و در شأن نظام اسلامی ایرانی فراهم آورد. فعالیت آموزش و پرورش بیشتر بر برنامه‌ریزی عملیاتی تأکید دارد بنابراین تلاش در این دستگاه فرآیندی است که به وسیله آن مدیران اجرایی فعالیت‌ها و گام‌های ویژه‌ای را در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر ترسیم می‌کنند. برنامه‌ریزی عملیاتی چارچوب زمانی کوتاه‌تری نسبت به دو برنامه‌ریزی استراتژیکی و تاکتیکی دارد و اغلب توسط مدیرانی صورت می‌گیرد که مسئولیت محدود برای اجرای هدف‌های محدود دارند (سازمان مدیریت دولتی، مجموعه هجدهم) کارشناسان آموزش و پرورش به‌عنوان منابع انسانی نقش اصلی و حساسی در استقرار اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تحول به عهده‌دارند زیرا آن‌ها به‌عنوان مدیران و کارکنان سطوح میانی مدیریت، اهداف ذهنی و عینی سطح بالا را تبدیل به برنامه‌های عملی و کاربردی می‌نمایند. آنان می‌توانند نیروی تحول‌آفرینی یا نیروی بازدارنده باشند. پس احراز نگرش و عملکرد آن‌ها نه تنها امروز بلکه هم‌زمان با آغاز آن مورد توجه قرار می‌گرفت. زیرا در حالت عادی از وضع موجود سازمان چنین به تصور می‌آید که همه چیز در حال تعادل است. بیرون آمدن از حالت تعادل برای استقرار تغییر جدید در سازمان موجب تخریب یا برهم زدن اوضاع می‌شود این امر به یکی از سه طریق زیر امکان‌پذیر می‌گردد تا سازمان از آسیب‌ها در امان ماند. نخست تقویت عوامل انسانی تحول‌آفرین، دیگری نیروهای بازدارنده که مانع از تغییر در وضع موجود می‌شوند، کاهش یابند

### مراحل طراحی (مهندسی) نظام نوین آموزش و پرورش

- ۱- ستاد طراحی نظام نوین آموزش زندگی و نظام نوین آموزش شغل بر اساس سیاست کلی ارائه‌شده، مرکب از خبرگان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی تحول‌گرا تشکیل شود.
- ۲- فلسفه آموزش و پرورش و کارکرد اصلی آن و ویژگی‌های محصول و خروجی آن مشخص گردد.
- ۳- برنامه راهبردی ستاد طراحی، برای تعیین کارهایی که باید انجام شود، تدوین گردد.
- ۴- وضعیت موجود، آسیب‌ها و تهدیدات آن به‌خوبی مورد بازشناسی قرار گیرد.
- ۵- راهبرد اصلی تحول در نظام موجود آموزش و پرورش بر اساس سیاست کلی ارائه‌شده با توجه به ضعف‌ها و قوت‌ها و فرصت‌ها و تهدیدات مشخص شود.
- ۶- سیاست‌ها و راهبردها و برنامه درازمدت تحول در کارکرد و ساختار مسجد به‌عنوان ساختار جایگزین برای تأمین آموزش زندگی تعیین گردد.



۷- سیاست‌ها و راهبردها و برنامه درازمدت تحول در کارکرد و ساختار نهاد روحانیت و حوزه‌های علمیه به‌عنوان ساختار تأمین‌کننده منابع آموزشی، روش‌های تربیتی، نیروی انسانی موردنیاز، ... تعیین گردد.

۸- دوره گذار به‌خوبی ترسیم‌شده و به‌صورت مرحله‌ای و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی و اجرا (ناظمی، راهبرد یاس، ۱۳۸۸).  
-الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در اندیشه امام خمینی (ره): در این پژوهش که توسط مهدی افخمی اردکانی در سال ۱۳۹۰ انجام‌شده است، محقق به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که (آیا اندیشه و سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) به‌عنوان اندیشمند مذهبی نوگرای اعتدالی می‌تواند الهام‌بخش تدوین الگوی مذکور باشد یا خیر؟) در نهایت محقق ایده‌های بنیادی امام را در خصوص تشکیل نظام سیاسی اسلامی و استقلال و عدالت اجتماعی و احیای هویت اسلامی - ایرانی را به‌عنوان شاخص‌های اصلی پیشرفت از نگاه ایشان معرفی می‌کند.

-در پژوهش دیگری به نام ابعاد سیاسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب که در سال ۱۳۹۱ توسط سید مجتبی هاشمی انجام‌شده است، سعی شده است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به بررسی ابعاد سیاسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر رهبر انقلاب پرداخته و شاخصه‌های این گفتمان را در سه ساحت مبانی، نظام سازی و رفتار سیاسی مورد کنکاش قرار دهد.

- «مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی اسلامی - ایرانی» نام پایان‌نامه دیگری است که محمد اسفندیار در سال ۱۳۹۱ انجام داده است. در این پژوهش به بررسی شاخصه‌های اصلی تمدن سازی اسلامی - ایرانی با تکیه بر نظام اندیشگی رهبری جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی و مقام معظم رهبری) پرداخته شده است. محقق بیان می‌دارد، امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار یک نظام سیاسی جدید در ایران و نیز یک فقیه برجسته شیعی، نگاه جدیدی به فرهنگ غرب دارد و بر لزوم حفظ استقلال هویت جامعه‌ی اسلامی و جلوگیری از خودباختگی در قبال فرهنگ تهاجمی غرب تأکید فراوان نموده‌اند. همچنین مقام معظم رهبری تأکید دارند که تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد و در روش‌های پیچیده مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه معنوی روزبه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. با بررسی اندیشه‌های ایشان با گسترش شاخص‌های عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی و گسترش آن در سطح جامعه می‌توان به الگوسازی در جامعه بین‌الملل پرداخت. روش کار در این تحقیق روش ترکیبی و توصیفی است که با بهره‌گیری از منابع و مآخذ موجود فراهم آمده است

- در پایان‌نامه دیگری با عنوان «ویژگی‌های سیاست‌گذاری علم و فناوری از دیدگاه مقام معظم رهبری» که زکیه مؤمن در سال ۱۳۹۱ انجام داده است به بررسی بیانات مقام معظم رهبری در مورد سیاست‌گذاری علم و فناوری پرداخته شده است. محقق بیان می‌دارد که بررسی بیانات ایشان در مورد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، لزوم اسلامی بودن مبانی، اهداف، روش‌های الگو و برشمردن علم و فناوری به‌عنوان ارکان اساسی الگو، حاکی از نقش ویژه علم و فناوری ظهور دارد. بر این اساس الگوی سیاست‌گذاری علم و فناوری بر اساس نقشه راه تمدنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به دست آمد. این الگو نقشه‌ی حرکت از ارزش‌های نظام اسلامی به سمت اهداف و سیاست‌های راهبردی را که مقام معظم رهبری در مورد علم و فناوری مطرح و پیگیری نموده‌اند را بر اساس نقشه راه تمدنی نشان می‌دهد.



همان‌طور که اشاره شد، دو کنفرانس در زمینه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، برپاشده است. مجموعه مقالات ارائه‌شده در این کنفرانس‌ها به صورت کتاب‌هایی با عناوین زیر منتشر شده است:

۱. نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که در دو جلد در تیرماه ۱۳۹۱ منتشر شده است و تمامی مقالات و متن سخنرانی‌های ارائه‌شده در اولین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را در بردارد.
۲. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ منتشر شده است و مانند عنوان قبلی، حاوی آرای صاحب‌نظران درباره این الگو می‌باشد. مقالات مرتبط با موضوع این پژوهش موارد زیر می‌باشند:
  - «سیاست‌گذاری علم و فناوری در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»: این پژوهش که توسط زکیه مؤمن انجام شده است، پس از ارائه ادبیات سیاست‌گذاری علم و فناوری، به نقش سیاست‌گذاری علم و فناوری در الگوی پیشرفت می‌پردازد. در ادامه به استخراج مؤلفه‌های سیاست‌گذاری علم و فناوری از دیدگاه رهبری انقلاب پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که الگوی سیاست‌گذاری علم و فناوری، می‌بایستی بر اساس مکتب فلسفی اسلام و فرهنگ اسلامی تدوین شده و روش اجرا و نتایج آن نیز در راستای توحید و گسترش معنویت باشد.
  - «تبیین مفهوم پیشرفت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» نیز عنوان مقاله دیگری است که در نخستین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح شده است. در این پژوهش، ابراهیم نوروزی به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش بوده است که در جهان‌بینی اسلامی، تفاوت تعالی‌موردنظر اسلام، با توسعه در فرهنگ غربی چیست و این دو چه ارتباطی باهم دارند؟ همچنین این دو در جهان‌بینی اسلامی چه جایگاهی باهم باید داشته باشند تا دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین کنند. این محقق عنوان کردن کاستی‌های نظام غرب، در خصوص توسعه، مفهوم «رشد» را از مفاهیم قرآن می‌شمارد و با محور قرار دادن این مفهوم، به دنبال تعریف صحیحی از «پیشرفت» در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌باشد.

روش

در این مقاله برای انجام این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و مبال و فیش‌برداری از کتب، مقالات، مجلات و سایر آوار مکتوب و معتبر استفاده شده است. بخش مهمی از مستندات پژوهش به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ب عنوان اولین فرد مطرح‌کننده الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اختصاص دارد

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی ورود به دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی هرچند از سویی نگرانی‌های تثبیت این شجره‌ی طیبه را در قلب دوستداران آن آرام کرده است، اما افقی بزرگ‌تر و خطیرتر را در مقابل آنان گشوده است. حضرت آیت‌الله... خامنه‌ای با نگاهی دور و بلند به این افق، «عدالت و پیشرفت توأمان» را مبنای حرکت دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی قرار داده‌اند. ایشان بارها در سخنرانی‌ها و گردهمایی‌های متعدد بر ضرورت اهتمام مسئولین نظام برای تدوین «الگوی پیشرفت اسلامی» تأکید نموده و در طرح مسئله الگوی پیشرفت اسلامی نکات مهمی را یادآوری کرده‌اند: اولاً، ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی آن تداعی گردد، ثانیاً، مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد؛ هر ملت و جامعه‌ای مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است. و ثالثاً ایشان تأکید دارند که ما اگر نقاط افتراق



پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت نماییم، یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که این‌ها در توسعه‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی کاملاً وجود داشته است. مثلاً روح ابتکار، اقدام و انضباط موارد ضروری برای پیشرفت هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه در افق‌های آینده بر ضرورت ارائه الگویی اسلامی- ایرانی برای به پیش بردن آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی توجه دارند، در تبیین شاخص‌های جامعه‌ی توسعه‌یافته می‌فرماید:

معیارهای پیشرفت عبارت‌اند از:

- فراصنعتی شدن؛

- خودکفایی در نیازهای اساسی؛

- افزایش بهره‌وری؛

- ارتقای سطح سواد؛

- ارتقای خدمات‌رسانی به شهروندان؛

- افزایش امید به زندگی؛

- رشد ارتباطات؛

- مبتنی شدن روند تحول بر عناصر اصلی هویت ملی و آرمان‌های اساسی

موانع

عدم کارایی منشورهای راهبردی بوروکراتیک کشور

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در بعد داخلی از نظر فرهنگی مانعی عمده محسوب می‌گردد، بحث پایین بودن راندمان کاری در دستگاه‌های اداری و وزارتخانه‌های مختلف می‌باشد. با توجه به اینکه ما به دنبال تحقق یک الگوی بومی و اسلامی پیشرفت هستیم، و این می‌بایست جدا از ساختارهای مادی گرایانه حاکم بر پیشرفت در دنیای غرب باشد، توجه به افزایش میزان راندمان کیفی کار و فعالیت در همه‌ی دستگاه‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به روندهای کنونی سیستم بوروکراتیک کشور، به نظر می‌رسد که مدیریت آینده‌ی این سیستم در داخل کشور و تعیین جهت آن به سوی جدیت و کار مستمر، در همه‌ی دستگاه‌ها، نقش مؤثری در کمک به طراحی و اجرای الگوی مذکور خواهد داشت.

خروج نخبگان

سرمایه‌ی انسانی ماهر از مهم‌ترین عوامل انکارناپذیر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است. با توجه به اینکه ما سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور، برنامه‌ی پنجم توسعه و به‌تازگی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را پیشروی خود داریم، تحقق سناریوی خروج نخبگان از کشور پیامدهای ناگواری خواهد داشت. یکی از محوری‌ترین توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، استفاده از نیروهای نخبه و توانمند داخلی است، و این امر با شناسایی افراد نخبه و بااستعداد کشور، در زمینه‌های مختلف، و تخصیص بودجه‌های مناسب به فعالیت‌های آنان تحقق می‌یابد.





از شاخص‌های اساسی رشد و توسعه در هر کشوری پژوهش پیرامون علوم انسانی است. اگرچه وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث گردیده است که وضعیت علوم انسانی در کشور روند رو به رشدی داشته باشد، اما نمی‌توان از این واقعیت هم به سادگی گذشت که هم‌اکنون بخش قابل توجهی از سرفصل‌های علوم انسانی برگرفته از نظریه‌ها و اندیشه‌های دنیای غرب است. این آسیب می‌تواند در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که اساس طرح آن بر استفاده از توانایی‌های بومی و ملی بوده است، در آینده و در صورت عدم اصلاح، به عنوان مانعی جدی در راه تحقق این الگو مطرح گردد.

اقتصاد وابسته به نفت (اقتصاد تک محصولی)

اگر ما می‌خواهیم با ارائه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت حرف جدیدی در عرصه‌ی بین‌المللی و سیاست خارجی داشته باشیم نیازمند اقتصادی هستیم که در مواقع حساس و بحرانی کمترین میزان آسیب‌پذیری را داشته باشد. تداوم وابستگی به صادرات نفت به ضرر صنایع بومی و تولیدی داخل بوده، و به عنوان مانعی جدی بر سر راه تحقق این الگو مطرح خواهد شد. تنوع بخشی به صادرات، سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع داخلی، و افزایش سطح تولید را در پی خواهد داشت که این خود یکی از عوامل زمینه‌ساز تحقق الگوی مورد نظر پیشرفت می‌باشد.

تورم و بحران اشتغال

یکی از مهم‌ترین رویکردهای هر نظام اقتصادی، کنترل تورم و پایین نگه داشتن آن، به منظور تأمین رشد و توسعه‌ی اقتصادی پایدار است. اگرچه بخش عمده‌ای از تورم داخلی ناشی از اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و ناعادلانه‌ی بین‌المللی، و اخیراً بحران جهانی اقتصاد است، اما بخش عمده‌ای از آن به نحوه‌ی هدایت جریان اقتصادی کشور و مدیریت اقتصادی آن برمی‌گردد که می‌بایست جهت‌گیری مناسب‌تری در راستای مقابله با افزایش تورم داشته باشد. در خصوص اشتغال هم ذکر این نکته ضروری است که امروز قشر تحصیل کرده آمار قابل توجهی از قشر بی‌کار جامعه را به خود اختصاص داده است. با عدم مدیریت تورم و اشتغال نیروی کار، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که یکی از لوازم تحقق آن همت و تلاش مضاعف، و بازتعریف مجموعه‌ای از فعالیت‌های بوروکراتیک اداری کشور یا تجدیدنظر در آن‌ها است، با مانع جدی روبه‌رو خواهد گشت.

وجود موانع سرمایه‌گذاری در کشور

یکی از موانع دیگر تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، با توجه به تحریم‌ها و فشارهای ناعادلانه‌ی بین‌المللی، سد نمودن راه سرمایه‌گذاری در صنایع داخلی کشور است. نظام سلطه و استکبار جهانی در دو حیطه‌ی سخت‌افزاری، یعنی فشارهای بین‌المللی و اعمال تحریم‌های شدید بر علیه کشورها و شرکت‌هایی که تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران دارند، و بعد نرم‌افزاری، یعنی ایجاد ایران هراسی و امنیتی کردن روابط کشورها با جمهوری اسلامی ایران، باعث سنگ‌اندازی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری در کشور به وجود است. رفع این مشکل نیازمند یک دیپلماسی فعال اقتصادی و سیاسی از سوی کارگزاران ذی‌ربط نظام است. ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس و حضور قدرت‌های بیگانه

استراتژی آمریکا که در طی جنگ سرد در راستای مقابله بانفوذ کمونیسم در جهان حالت فراگیر و بین‌المللی داشت، بعد از جنگ سرد به صورت منطقه‌ای تدوین شد. یکی از مناطق عمده‌ی مورد توجه سیاست‌گذاران آمریکایی، منطقه‌ی خلیج فارس است. با وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، تحولات عدیده‌ای در نظام بین‌الملل به وقوع پیوست که خواه‌ناخواه بر امنیت منطقه‌ی



خلیج فارس هم تأثیرگذار بود. پدیده‌ی تروریسم در این واقعه ضربه‌ی مهلکی بر آمریکا وارد ساخت، ریشه‌یابی این حوادث در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، باعث تغییرات قابل توجهی در استراتژی آمریکا در ارتباط با این حوزه‌ی جغرافیایی گردید که اشغال نظامی عراق گام مهم آن تلقی می‌شود.

ضروری است جمهوری اسلامی ایران با تغییر در برداشت‌ها و ذهنیت‌های به‌غلط شکل‌گرفته‌ی ناشی از حضور قدرت‌های بیگانه در خلیج فارس در میان کشورهای عرب منطقه، به اعتمادسازی روی آورده و تا حد ممکن نگرانی‌های موجود را برطرف نماید. بدون تردید بزرگ‌ترین نگرانی کشورهای منطقه از تحولات چشم‌گیر جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی فناوری هسته‌ای است که می‌تواند برای اینکه گر الگوی مناسبی از یک کشور پیشرفته با مبانی اسلامی-ایرانی باشد، با ایجاد نهادهای منطقه‌ای اعتماد ساز و مشارکت‌های اقتصادی منطقه‌ای و همچنین انعقاد پیمان‌های متعدد دوجانبه هرگونه فضای نگرانی را در میان کشورهای خلیج فارس از میان بردارد تا بتواند از تبدیل شدن امنیت منطقه خلیج فارس به یک تهدید در آینده جلوگیری نماید.

#### تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی

یکی از تنگناها و چالش‌های فراروی پیشرفت و توسعه‌ی نظام جمهوری اسلامی موضوع تحریم‌های ناعادلانه‌ی بین‌المللی است. اگرچه، وجود تحریم‌ها تاکنون نتوانسته اهداف خود را محقق سازد. اما به‌رحال کسی نمی‌تواند منکر اثرات منفی این تحریم‌ها بر اقتصاد کشور در بلندمدت و آینده‌ی اقتصادی کشور به‌ویژه در صورت افزایش شدت آن‌ها، باشد. گسترش هر چه بیشتر تعاملات بین‌المللی نظام به‌ویژه با کشورهای مسلمان و عدم تعهد و همچنین ایجاد فضای اعتماد ساز بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مطرح در شورای امنیت سازمان ملل از طریق عضویت فعال در نهادهای بین‌المللی و... از جمله مواردی است که به مقابله با این چالش جدی و همچنین تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و توسعه در منطقه کمک خواهد کرد.

#### تبلیغات و جنگ روانی علیه اسلام و انقلاب اسلامی ایران

ایران هراسی یکی از راهبردهای تبلیغاتی و جنگ روانی در سیاست خارجی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی، علیه جمهوری اسلامی ایران است. آمریکا و برخی از کشورهای غربی همواره با رویکرد تخصیصی مسائل مرتبط با ایران را منعکس می‌نمایند به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در نظر مخاطب، تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه و جهان معرفی می‌گردد. رصد و محور یابی جنگ روانی نظام سلطه علیه ایران مؤید این موضوع است. به‌طور کلی راهبرد ایران هراسی مشتمل بر هفت محور می‌باشد که عبارت‌اند از:

- القاء دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای؛
- حمایت ایران از تروریسم؛
- نقض حقوق بشر در ایران؛
- القاء تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛
- القاء دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورها؛
- القاء مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه‌ای.



## بخش دوم - فرصت‌ها

وجود بخش خصوصی فعال در حوزه اقتصاد

با توجه به این واقعیت که در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، بخش خصوصی در توسعه کشورهای دارای نقش بسیار حائز اهمیتی است، در جمهوری اسلامی ایران نیز، با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه برای فعالیت بخش خصوصی فراهم شده است. حضور قدرتمند بخش خصوصی نیز به نوبه خود منجر به ایجاد زمینه‌های لازم برای پیشرفت اقتصادی کشور تا به امروز گردیده و در آینده‌ای نزدیک با اجرای همه‌جانبه‌ی اصل ۴۴ می‌توان پیشران مهمی در عرصه‌ی پیشرفت به شمار آید.

افزایش رابطه‌ی صنعت و دانشگاه

دانشگاه جایگاه اصلی تولید علم، دانش و تکنولوژی است، و هرگونه گسترش رابطه‌ی دانشگاه و صنعت باعث تسریع و تسهیل رشد و پیشرفت اقتصادی و صنعتی کشور می‌گردد. با توجه به اهمیت این رابطه، در چند سال گذشته شاهد افزایش تعامل بخش صنعت و دانشگاه هستیم، که این امر منجر به توسعه‌ی فناوری در صنایع و بخش‌های تولیدی کشور شده است؛ و زمینه‌ی لازم برای خیزش اقتصادی کشور را فراهم آورده است. البته این رابطه نیازمند توجه بیشتری است، و با استقرار الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اهمیت بیشتری نیز خواهد یافت.

توان صادراتی کشور و بازارهای منطقه‌ای

یکی دیگر از عوامل فرصت ساز در اقتصاد کشور افزایش توان صادراتی کشور در بخش تولید و خدمات مهندسی است که بسترهای لازم برای پیشرفت در حوزه اقتصاد کشور را فراهم می‌نماید. عامل بسیار مهم دیگری که در افزایش توان صادراتی کشور نقش دارد، وجود بازارهای اقتصادی گسترده در منطقه (شامل کشورهای عربی، کشورهای آسیای میانه، قفقاز، افغانستان و ...) است.

نیروی انسانی متخصص و باتجربه

با توجه به رشد علمی کشور، و همچنین پیگیری سیاست خودکفایی و استقلال اقتصادی کشور، شاهد رشد توان علمی و فنی متخصصان و فعالان اقتصادی کشور هستیم که باعث ارتقاء کمی و کیفی محصولات تولیدی کشور گردیده و روند روبه رشد توسعه‌ی اقتصادی کشور را تقویت نموده است.

انسجام و وحدت ملی

یکی دیگر از مؤلفه‌های فرصت آفرین در حوزه اجتماعی برخورداری از انسجام و وحدت در درون جامعه است. در ایران به دلیل وجود مؤلفه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی، زبانی، دینی و ... شاهد میزان بالایی از انسجام و وحدت ملی هستیم. این انسجام ملی یکی از مؤلفه‌های اصلی فرصت ساز در توسعه‌ی کشور به شمار می‌رود. تجربه‌ی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دوران سازندگی نشان‌دهنده‌ی نقش ویژه‌ی وحدت و همبستگی ملی در توسعه و موفقیت کشور می‌باشد.

مشروعیت مردمی نظام

اتکای جمهوری اسلامی ایران بر حمایت‌های مردمی یکی از ویژگی‌های اصلی نظام اسلامی کشور ما است. این مشروعیت مردمی از جمله فرصت‌های بنیادین پیشروی کشور در ادامه حرکت خویش است. چراکه اعتماد مردمی مهم‌ترین سرمایه‌ی یک



نظام سیاسی در اجرای طرح‌های توسعه است، و بهره‌مندی از آن بسیاری از مشکلات پیشروی پیشرفت کشور را برطرف خواهد کرد.

توان گفت‌مان سازی انقلاب اسلامی

یکی از ضرورت‌ها و بایسته‌های اساسی برای موفقیت در ارائه الگوهای بومی توسعه، برخورداری از قدرت ایده پردازی و گفت‌مان سازی حول این ایده‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی است. از این نظر انقلاب اسلامی و نظام ج.ا.ایران یکی از موفق‌ترین تجربه‌ها در ایده پردازی و گفت‌مان سازی در سطح داخلی و بین‌المللی را داراست. طرح ایده‌هایی مانند حکومت اسلامی، ولایت فقیه، بیداری اسلامی، استکبارستیزی و ... از جمله گفت‌مان‌هایی هستند که توسط ج.ا.ایران مطرح شده‌اند. با توجه به تجربه‌هایی که نظام اسلامی در ایده پردازی و گفت‌مان سازی کسب کرده است، و با توجه به ویژگی‌های خاص الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به نظر می‌رسد که این الگو نیز از امکان بسیار بالایی برای تبدیل شدن به گفت‌مانی غالب در سطح داخلی و بین‌المللی برخوردار است.

افول تدریجی هژمونی آمریکا

با فروپاشی اتحاد شوروی، موقعیتی برای آمریکا ایجاد شد که در عرصه‌ی بین‌المللی دست بالاتر را پیدا کرده و در بحران‌های بین‌المللی مختلفی نظیر عراق، یوگسلاوی، سومالی، هائیتی و افغانستان مداخله نماید. اما به نظر می‌رسد تحولات پس از ۱۱ سپتامبر هژمونی آمریکا را با چالش جدی مواجه ساخته و این کشور در حل بسیاری از معادلات و چالش‌های بین‌المللی به تنهایی قادر به اعمال سیاست‌های متناسب و موجه نخواهد بود. رویکردهای آینده‌پژوهانه در قالب روندهای ۲۰۲۵ و ۲۰۳۰ بر افول تدریجی هژمونی آمریکا تأکید دارند.

افزایش تقاضای جهانی انرژی

نیاز اقتصاد جهانی به انرژی باعث شده تا دولت‌های قدرتمند و صنعتی جهت حفظ رشد اقتصادی خود به تأمین انرژی مطمئن روی آورند. رویکردهای آینده‌پژوهانه از نیاز دو برابری به انرژی تا سال ۲۰۳۰ خبر می‌دهند. اتحادیه‌ی اروپا، چین، هند و ... نیاز شدیدی به بازار انرژی ایران در آینده پیدا خواهند کرد، با توجه به تأثیر قابل توجه بازار عظیم انرژی در سایر حوزه‌های پیشرفت و توسعه‌ی کشور می‌توان به ایجاد فرصت‌های متعدد این حوزه در آینده امیدوار بود. به‌عنوان مثال طرح تأسیس اوپک‌گازی در چند سال اخیر که مقام معظم رهبری هم بر آن تأکید نمودند، می‌تواند یکی از زمینه‌های بالندگی بیشتر توسعه و پیشرفت کشور به‌عنوان یک الگوی-اسلامی ایرانی در منطقه باشد.

توان ضربه‌ی متقابل و قدرت بازدارندگی در مواجهه با تهدیدات

توانمندی‌های نظام در مهار و کنترل و مواجهه با بحران‌های داخلی و خارجی، شرایطی را برای کشور فراهم کرده که در مواجهه با هر تهدید داخلی و خارجی پاسخ‌گو است. روحیه‌ی اعتمادبه‌نفس و خودباوری که در سایه‌ی دستاوردهایی چون عرصه‌ی انرژی هسته‌ای، سلول‌های بنیادین، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی و ... ایجاد شده ایران را در مقطع تاریخی حساسی قرار داده که در حال گذر از توسعه‌نیافتگی و ورود به دوران پیشرفت، رفاه، معنویت، عدالت و اقتدار می‌باشد. این موضوع خود





تأثیر قابل توجهی بر ارائه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت خواهد داشت. چراکه الگوی مذکور با پشتوانه‌ی توانمندی‌های بومی و داخلی در عرصه‌ی تکنولوژی‌های دفاعی و فناوری از قدرت اقناع‌کنندگی بیشتری برخوردار خواهد بود. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد و هر آنچه در فرمایشات مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته بود، ابعاد تحول و پیشرفت در نگاه ویژه‌ی نظام اسلامی همچون افزایش ثروت ملی، عدالت‌طلبی، اقتدار علمی، عزت ملی، مبارزه با فساد، بی‌کاری و تبعیض، انضباط اجتماعی، استقلال فرهنگی و ... یک مدل ایده آل کارآمد توسعه و پیشرفت در جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌گردد. تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به یک الگوی توانمند از یک کشور اسلامی پیشرفته در میان سایر کشورهای منطقه و مسلمان، لازمه‌اش مقابله با چالش‌های عمده‌ی منطقه‌ای و جهانی است. از سویی تحقق این الگوی اسلامی-ایرانی موفق خود نیازمند بهره‌گیری هر چه بیشتر و تقویت فرصت‌های پیش‌رو در دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی است. با توجه به محدودیت‌های ساختار مادی و هنجاری نظام بین‌الملل و چالش‌های سطح منطقه و همچنین وجود فرصت‌هایی که نیازمند بهره‌وری بیشتر است، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که قصد ارائه‌ی یک الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در سطح منطقه و جهان را دارد لازم است به این موارد توجه نماید:

- حضور فعال در مجامع و نهادهای بین‌المللی و اعتمادسازی جهانی برای شناساندن روحیه‌ی صلح‌طلبی و انسان‌دوستی نظام اسلامی به دنیا؛

- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه توسعه‌ی بازارهای اقتصادی منطقه که حتی‌الامکان می‌تواند تبلیغات غیرواقعی و منفی غرب از جمهوری اسلامی را خنثی نماید؛

- استفاده از مجاری غیررسمی دیپلماسی فرهنگی با توجه به سابقه‌ی دیرینه فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در رسیدن نظام جمهوری اسلامی ایران به جایگاه حقیقی خود در منطقه، دنیای اسلام و سطح بین‌الملل داشته باشد.

### **راهکارهای حرکت در مسیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:**

در این زمینه پس از برشمردن مهم‌ترین موانع بر سر حرکت بزرگ ملت ایران در مسیر این الگو، به نظر می‌رسد اشاره به چند راهکار برای برون‌رفت از موانع و مشکلات پیش رو خالی از لطف نیست تا مسیر روشن را روشن‌تر نماید و سمت‌وسوی بیراهه رفتن مسدود گردد.

۱- در قدم اول؛ باید شعارهای اصلی را تعیین کرد چراکه این شعارها ضمن اینکه واقعیات جامعه را در نظر دارند، اصول حاکم بر این الگو را نیز نشان می‌دهند. برای مثال توجه به خانواده یکی از اصول اساسی این الگو باید باشد چراکه توجه به خانواده از چند منظر اهمیت دارد: ۱) خانواده اولین مدنی است که خداوند پدید آورده است و قداست آن در تمام ادیان ابراهیمی ذکر شده است (۲) خانواده منبع تأمین نیروی انسانی کارآمد برای پیشرفت است (۳) بخش بزرگی از رسالت‌های یک دولت برای تحقق جامعه‌ای پویا، خلاق و دین‌دار را می‌توان بر عهده خانواده نهاد و به‌نوعی بازوی اجرایی دولت اسلامی باشد (۴) تعلقات خانوادگی افراد را اخلاقی‌تر، صرفه‌جو تر و آرمان‌گراتر می‌کند و این یعنی یک ذخیره‌ی بزرگ برای دولت اسلامی. ۲- قدم دوم؛ سرمایه‌گذاری و توجهات زیاد به انسان، فرهنگ و نوع نگرش آنهاست چراکه در این الگو مهم‌ترین رکن انسان،



فرهنگ، آموزش و نوع نگرش آن‌ها است. لازمه تحقق حیات طیبه انسان کامل است و لذا در این الگو، برخلاف الگوهای غربی که به وسایل به دید مادی و به عنوان هدف نگاه می‌شود به این‌ها به دید وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باید نگریسته شود. ۳- در قدم سوم؛ باید به مفاهیم معنوی اشاره کرد که با معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری نیستند ولی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند. لازم است که اندیشمندان ایرانی همت خود را در این باره مبذول نمایند که عناصر معنوی مؤثر در پیشرفت را شناسایی کرده و در الگوی خود قرار دهند. عدالت در کنار جود و بخشش، امنیت روانی، ارتقاء خداگرایی و رشد مذهب، افزایش کمی و کیفی عفت عمومی، معاد هراسی و الگوی اخلاقی غیر لذت‌گرا بخشی از این عناصر معنوی‌اند. علاوه بر فعالیت‌های ایجابی برای تحقق مفاهیم معنوی در جامعه، در این الگو باید به نقش سلبی و بازدارندگی آخرت‌گرایی هم توجه شود چراکه آخرت‌گرایی مانع تورم اقتصاد دنیازده است. این اقتصاد از عقلانیتی که زندگی آدمی را به سه بخش معاش، معاد و تفریح سالم تقسیم می‌کند دفاع نمی‌کند، بلکه در سیکل دیوانه‌کننده‌ی معاش و لذت و قدرت در دوران است. ۴- قدم چهارم؛ توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور است چراکه حساسیت این امر نیازمند بررسی و برانداز قدم به قدم می‌باشد که لازمه‌ی آن یک مدیریت قوی، فعال، به‌روز و کارآمد می‌باشد. ۵- در اشاره به قدم پنجم؛ می‌توان گفت از آنجایی که موضوع پیشرفت، مربوط به انسان و حوزه‌های مختلف زندگی اوست، که مطالعات انسانی در این باره را بسیار حائز اهمیت می‌کند. لذا علاوه بر تلاش علمی جهت کارآمد سازی علوم انسانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به لحاظ قید ایرانی بودن نیز نیازمند مطالعات اجتماعی گسترده در جامعه‌ی ایرانی است. ۶ قدم ششم: آن است که، زمانی که، دوستانان پیشرفت در مدل غربی با مقاومت بخش‌هایی از جامعه در قبال الگوی دلخواه خود مواجه شوند، شیوه‌ی خود را تغییر می‌دهند. در حال حاضر عده‌ی زیادی برای بسط آن مدل به آموزه‌های اسلامی توسل جستند که مصلحت اجتماعی یکی از دست‌آویزهای مهم در این راستاست. روشن است که اداره‌ی جامعه و به سامان رساندن حکومت نیازمند ملاحظه‌ی مصالح اجتماعی در کشور است به همین دلیل، در نظام جمهوری اسلامی ایران، در کنار نهاد شورای نگهبان و قانون‌گذاری، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به دستور امام راحل (ره) تشکیل شد. کارایی مصلحت‌ها به خصوص مصلحت‌های اجرایی، کارآمد کردن حکومت دینی است. آنچه به این نکته اهمیت می‌بخشد این است که در بحث از مصلحت‌های اجتماعی، دغدغه‌ی مشروعیت به کیفیتی که در سایر ادله‌ی دینی وجود دارد، مورد نظر نیست و عده‌ای با عمومیت بخشی به پاره‌ای مصالح، ولو با تبلیغات نادرست، نگرانی مشرعین را رفع می‌کنند. بنابراین توجه به این مهم هم در کنار بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضرورت دارد.

## منابع فارسی

۱. ابطحی سید حسین، راحله منتظر (۱۳۹۱)، «مفهوم شناسی تعاریف و اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منشأ علمی دینی و فلسفی آن‌ها»، کتاب نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ص ۱۰۶-۱۳۷.
۲. استیس، والتر ترنس (۱۳۷۷)، دین و نگرش نوین، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران: نشر حکمت.



۳. اصلانی، رعنا (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره متوسطه بر اساس شاخص‌های رویکرد تلفیقی از دیدگاه معلمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
۴. بازرگان، عباس (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: انتشارات دیدار
۵. بستان، حسین و دیگران، (۱۳۸۴)، گامی به سوی علم دینی (۱)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. پاشا شریفی، حسن و شریفی، نسترن (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات سخن
۷. پترسون، مایکل و دیگران، (۱۳۷۸)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: انتشارات طرح نو.
۸. پیروزمند، علیرضا (۱۳۷۲)، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. تقوی، مصطفی (۱۳۸۸)، تأملی بر الگوی اسلامی-ایرانی توسعه علم و فناوری، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۱۰. تقوی، مصطفی (۱۳۹۱)، «بررسی امکان‌پذیری و چگونگی تحقق نظام علم و تکنولوژی مبتنی بر دین»، رساله دکتری رشته فلسفه علم، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
۱۱. تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالحمک، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۱۲. چالمرز، آلن اف (۱۳۸۵)، چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: انتشارات مهر.
۱۳. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۳)، کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
۱۴. داوری، رضا (۱۳۷۹)، درباره علم، تهران: انتشارات هرمس.
۱۵. دلاور، علی (۱۳۸۲)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
۱۶. ذوعلم، علی (۱۳۹۱)، «نقشه راه طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، جلد دوم کتاب نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، صفحات ۹۵-۹۲.
۱۷. رادمنش، سید عبدالله (۱۳۹۰)، «مبانی علوم طبیعی در اندیشه دینی و تمدن اسلامی»، رساله دکتری رشته فلسفه، قم: حوزه علمیه.
۱۸. رسولی، مهستی و امیر آتسانی، زهرا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوا با رویکرد درسی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۰)، کند و کاو و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار
۲۰. ساروخانی، ب (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جلد دوم
۲۲. سروش، (۱۳۷۲)، فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران: مؤسسه صراط.



۲۳. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱)، علم چیست؟ فلسفه چیست؟ تهران: مؤسسه صراط.
۲۴. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵)، کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۸.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. عبدالله، جوادی آملی (۱۳۷۰)، شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۲۷. عبدالله، جوادی آملی (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۸. عرب، مهدی (۱۳۹۰)، عدالت و پیشرفت در اندیشه اسلامی، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات همشهری، صفحات ۱۹۵-۱۹۰.
۲۹. قراملکی، محمد رضا (۱۳۹۱)، تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن، قم: انتشارات کتاب فردا.
۳۰. کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰)، کنز الفوائد، قم: انتشارات دارالذخائر.
۳۱. کرلینجر، فردریک. ان، ترجمه پاشا شریفی (۱۳۸۲)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الاصول من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، ترجمه عبدالحسین نیک گهر (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: فرهنگ معاصر.
۳۴. گلشنی، مهدی (۱۳۸۰)، از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۵. گنون، رنه (۱۳۷۲)، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موققیان، تهران: نشر نی.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مجموعه مطالعات پشتیبان سند تحول راهبردی علم و فناوری (مبانی بینشی و ارزشی) (۱۳۸۹)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۹. مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، «گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، کتاب نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی صفحه ۲۲۱.
۴۰. معتزلی، ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴۱. مورن، ادگار (۱۳۷۴)، سرمشق گمشده، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات سروش.
۴۲. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۹)، «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، کتاب نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، صفحات ۶۵-۶۲.
۴۳. ناس، جان، (۱۳۷۸)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴۴. نصر، سید حسین (۱۳۷۹)، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، قم: مؤسسه فرهنگی طه.





۴۵. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰)، «کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی»، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات همشهری، صفحات ۹-۱۷.
۴۶. هولستوی، ال - آر، ترجمه نادر سالار زاده امیری (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، تهران: انتشارات علامه طباطبائی
۴۷. وکیلی، سعید (۱۳۹۱)، «مقدمات لازم برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، کتاب نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، ص ۶۰۳-۶۲۷.
۴۸. الویری، محسن (۱۳۹۱)، «چیستی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن»، جلد دوم کتاب نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، صفحات ۱۴۲-۱۴۳.
۴۹. ویلهم، ژان پل، (۱۳۷۰)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم: مؤسسه تبیان.
۵۰. ناظمی، مهدی. (1388). سیاست تحول در نظام آموزش و پرورش کشور. تهران نشریه راهبرد.

### منابع لاتین

1. Denis list. (2005) Know tour audience: Chapter 16 content analysis. <http://www.Audiencedialogue.net>
2. McGuire, B. (2005). Global Catastrophes: A Very Short Introduction. Oxford University Press. New York: Seven Bridges Press.
3. Pitt, J. (2000). Thinking About Technology: Foundation of the philosophy of Technology